

تحلیل گفتمان موضوعی نهج البلاغه در باب معرفت‌شناسی عدالت

ابوالفضل مزینانی (دانشجوی دکتری زیان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
علی علیزاده (دانشیار گروه زیان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران) (نویسنده مسئول)
علیرضا آزاد (استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

صص: ۲۲۵-۲۰۳

چکیده

معرفت‌شناسی پدیده‌ها، یا به عبارتی، تلاش برای دستیابی به بینش عقیدتی/فلسفی خاص درخصوص ماهیت آنها، هدایت‌گر او در انتخاب راه‌کارهای اجرایی متناظر با آن، بویژه در حوزه عدالت‌گستری است؛ با ابتننا بر این ضرورت، بررسی حاضر با هدف شناخت مبانی معرفتی عدالت از دیدگاه شیعی/علوی در راستای مؤلفه‌های مطرح در نظریه‌های حوزه اخلاق صورت گرفت. از این رو، نهج البلاغه، به عنوان یکی از متون مرجع شیعی برگزیده- شد و واکاوی آن با کاربست مدل تحلیل گفتمان موضوعی به عنوان روش تحقیق به انجام رسید. یافته‌های این پژوهش در دو بخش نتایج تحلیل نظری و نتایج تحلیل زبانی قابل ملاحظه است: در نتیجه تحلیل نظری، قاعده «ملکه رفتاری گزینش پندار، گفتار، و کردار بر مبنای حق» به عنوان تعریفی از چیستی عدالت به دست داده شد؛ در این قاعده، معانی حق از درستی انجام تا تکلیف شرعی را دربر گرفته و به طور کلی در سه حیطة مصداقی الف) حقوق تشریحی، ب) حقوق فردی غیر تشریحی، و ج) حقوق معاوضه‌ای جای گرفت؛ این قاعده و حیطة‌های مصداقی حق مجموعاً «اصل جامع معرفت عدالت» را شکل می‌دهند؛ این اصل معرفت‌شناختی، در واقع، اساس دستورالعمل‌های اجرایی و توزیعی عدالت در این مکتب قرار می‌گیرد. به عنوان مهم‌ترین یافته، تحلیل زبانی داده‌های شاهد نیز نشان داد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

1. Mazinani3489@gmail.com

۲. alalizadeh@um.ac.ir

پست الکترونیکی:

3. alirezaazad@um.ac.ir

که غالب دعاوی امام (ع) حول محور ایدئولوژی و تربیت اسلامی طرح شده و در دفاع از آنها هفت برهان عقلی شناسایی شد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان موضوعی؛ نظریه استدلال، نهج البلاغه؛ معرفت‌شناسی عدالت؛ حق، مواضع عقلی.

۱. مقدمه

معرفت‌شناسی^۱، به طور عام، مطالعه سرشت دانش، شیوه‌های کسب آن و چگونگی رسیدن به باور صادق موجه در خصوص دانش اکتسابی است. گستره این مباحث به حوزه اخلاق و سیاست نیز کشیده شده است، زیرا، «گزاره‌های اخلاقی نیز، همانند گزاره‌های علمی و فلسفی، با مسأله توجیه روبرو هستند» (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

تأمل در تاریخ فلسفیدن سیاسی نشان می‌دهد که چگونه رویکردهای معرفت‌شناختی ویژه، در حوزه فلسفه سیاسی تأثیرگذار بوده است، تا جایی که می‌توان ادعا کرد هر فلسفه سیاسی لزوماً مبتنی بر معرفت‌شناسی متناسب با آن شکل می‌گیرد (واعظی، ۱۳۸۸ الف). به دیگر سخن، بینش عقیدتی/فلسفی صاحب‌مسئله در خصوص ماهیت عدالت، هدایت‌گر آنها در انتخاب راه‌کارهای اجرایی و توزیعی عدالت است؛ با اکتفا بر این ضرورت، نگارندگان با هدف شناخت مبانی معرفتی عدالت از دیدگاه شیعی/علوی به این پژوهش اقدام کرده، و با کاربرست مدل تحلیل گفتمان موضوعی به عنوان روش تحقیق که در پژوهش‌های مزینانی (۱۳۹۶)، ص ۸۸-۶۴) و مزینانی، علیزاده، و آزاد (۱۳۹۶) معرفی شده بر کلان‌متن نهج البلاغه به سؤالات زیر پاسخ می‌دهند:

با کاربرست مدل تحلیل گفتمان موضوعی به عنوان روش تحقیق:

۱. از دیدگاه امام علی P عدالت و مبنای آن چیست؟
۲. در مکتب علوی روش دستیابی به مبنای عدالت کدام یک از موارد زیر است؟
قراردادگرایی، احساس‌گرایی، شرع‌گرایی و

^۱ Epistemology

^۲ Justified True Belief

۳. امام علی تعمیم گراست یا بافت گرا؟ به عبارت دیگر، آیا در نگاه آن حضرت اصول عدالت در هر زمان و مکانی یکسان است یا تفاوت دارد؟

۴. مبدأ درک عدالت کدام یک از موارد زیر است؟ عقل، شهود و وجدان، امیال، ادراک و رضایت، شرع و ...

شایان ذکر است که این سوالات، همسو با ریزموضوع‌های گفتمانی مطرح در نظریه‌های معرفت‌شناسی اخلاق طرح شده‌است. برای پاسخ به این سوالات بدون در نظر گرفتن پیش-فرض خاصی، کل نهج البلاغه مطالعه و و به شرحی که در بخش روش تحقیق خواهد آمد خردگفتمان‌های پاسخ‌گو به این سوالات گردآمده، و از آن‌ها نمونه‌گیری شد.

۲. پیشینه پژوهش: عدالت‌پژوهی در نهج البلاغه

عدالت‌پژوهی مبتنی بر رفتار و گفتار امام علی در میان پژوهش‌های مبتنی بر نهج البلاغه سهم قابل توجهی به خود اختصاص داده که با توجه به میزان ارتباط با مطالعه موردی پیش رو به نتایج دو مورد از آنها اشاره می‌شود.

احمدی (۱۳۹۲) با این سؤال اصلی به نهج البلاغه رجوع می‌کند: مفهوم «عدل» و «عدالت» چیست و این واژه با احتمال چه معنایی مورد اهتمام دین و پیشوایان دینی بوده و مردم را به آن امر نمودند؟ وی با استمداد از کتاب‌های لغت و تعاریف لغت‌شناسان از عدل، تعاریف امام P از عدل را تحت دو عنوان الف) رعایت حقوق دیگران و رساندن هر حقی به صاحب حق، و ب) نهادن هر چیزی در جایگاه شایسته‌اش خلاصه کرده، و در نهایت، تعریف «ب» را بهترین تعریف، شامل بر «الف» و مترادف با حکمت عملی قلمداد می‌نماید.

مقاله علی‌خانی (۱۳۹۰) پژوهشی است که با هدف ارایه شمایی کلی از نظام عدالت علوی انجام شده‌است؛ این نگارنده با استناد به کلام امام و تفسیر و تأویل آن، در پایان نتیجه می‌گیرد که عدالت صفت افراد، سازمان‌ها، ساختارها، سیاست‌ها و قوانین نیست، بلکه ماهیت آنهاست؛ رساتر این که، نمی‌توان قوانین یا ساختارهایی ایجاد کرد بعد آنها را عادلانه ساخت. وی با استناد به نتایج پژوهش خود، مدلی چهاربعدی از نظام عدالت علوی تدوین کرده‌است؛ این مدل و توضیحات درج‌شده در بطن مقاله مذکور نشان می‌دهد که (از نظر این پژوهش‌گر) مفهوم عدالت در نگرش آن حضرت در مرکز اجزای تشکیل‌دهنده آن یعنی انصاف، صداقت، حق و مصلحت عمومی قرار دارد و براساس مبانی و اصولی خاص شکل می‌گیرد.

۳. روش تحقیق: تحلیل گفتمان موضوعی

مزینانی (۱۳۹۶) در رساله دکتری خود مدلی را با عنوان «تحلیل گفتمان موضوعی» طرح و تدوین کرده که ملهم از تفسیر موضوعی شهید صدر و تلفیق آن با رویکرد گفتمانی - تاریخی^۳ است؛ این مدل، به نوعی، روش تحقیق، رویکرد مطالعاتی، دستورالعمل ویا، ... پژوهشی است مسأله‌محور، جهت استخراج، تبیین، و تدوین آرمان‌ها، عقاید، ویا نظریه-های نقادانه فرد یا جمعی از مراجع و رهبران محبوب مذهبی، سیاسی، اجتماعی و ...، که درخصوص موضوع نظری یا عملی خاص مرتبط با زمینه تخصصی و تجربی آن مرجع ارایه شده است؛ به این امید که الف) از دیدگاه رهبران و مراجع ذی صلاح و مشروع جامعه آرمان-نامه‌هایی به صورت موضوعی تدوین شود تا در مسیر اصلاح، پیشرفت و رفع تبعیض و بی-عدالتی اجتماعی سرلوحه کار مسئولان قرار گیرد؛ ب) ایده‌آل‌های بدیل ویا معیارهای مشروع و مقبولی تدوین شود که تحلیل‌گران گفتمان انتقادی یا محققان سایر رشته‌ها نتایج تحقیق خود را به آنها ارجاع داده و مستند کنند؛ و ج) از هرگونه سلطه‌جویی ایدئولوژیک یا سوءاستفاده احتمالی از آراء و نظرات این مراجع جلوگیری شود (مزینانی، ۱۳۹۶، ص ۶۷).

مراحل عملیاتی هشت‌گانه این روش تحقیق و چرخه فهم هرمنوتیکی تحلیل‌گر در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است:



نمودار ۱- بازنمون کل مراحل اجرایی تحلیل گفتمان موضوعی با تأکید بر چرخه فهم هرمنوتیک مأخوذ از مزینانی (۱۳۹۶، ص ۸۸) و مزینانی، علیزاده، و آزاد (۱۳۹۶)

با توجه به مراحل عملیاتی مطرح در نمودار فوق، اقدامات زیر درخصوص بررسی حاضر صورت گرفت: همگام با مرحله عملیاتی (۱) این مدل، معرفت‌شناسی عدالت، نهج البلاغه، و امام علی (ع)، به ترتیب، به عنوان موضوع، کلان‌متن، و مرجع منتخب در بررسی حاضر برگزیده شدند. در راستای مرحله (۲) نیز، انواع نظریه‌های مطرح در حوزه معرفت‌شناسی و پژوهش‌های انجام‌شده بر روی نهج‌البلاغه مطالعه شد.

طی مرحله (۳) نیز سؤالات پژوهش حاضر که در مقدمه ذکر شده مبتنی بر پیشینه نظری طرح شدند. در راستای مرحله عملیاتی (۴)، اطلاعات بافتی/تاریخی مربوط به خطبه‌ها، نامه‌ها و دوران زندگانی امام علی P به عنوان متون و مرجع منتخب مطالعه و گردآوری شد.

طی مرحله (۵) نیز خطبه‌ها، نامه‌ها، و کلمات قصار در سراسر نهج البلاغه تحت بررسی قرار گرفته و متون یا پاره‌متون مرتبط با معرفت‌شناسی عدالت با معیار توان پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهشی، شناسایی و به صورت نظام‌مند گردآوری شدند. تعداد این خردگفتمان‌ها حدوداً به ۱۰۰ قطعه با میانگین ۲۵ واژه در هر کدام رسید که یک چهارم از آنها با معیارهای سرنمون‌بودن، برجستگی و توان بازنمایی برای تحلیل و ثبت در این مقاله نمونه‌گیری شد. ارجاع‌دهی به این داده‌ها برای سهولت در یافتن آنها نهج‌البلاغه‌های متنوع، براساس شماره خطبه (خ)، نامه (ن) و کلمات قصاری (ق) است که از آن برگرفته شده‌اند؛ شماره‌ها نیز براساس منبع جعفری (۱۳۸۵) است.

مدل گفتمان‌کاوی موضوعی استراتژی‌های گفتمانی، نظریه استدلال، و نظریه بافت را از رویکرد گفتمانی-تاریخی اقتباس کرده و به عنوان ابزار تحلیل زبان به خدمت گرفته و در مرحله (۶) به کارمی‌بندد؛ در این مرحله با کاربست این ابزار و در نظر گرفتن اطلاعات بافتی/تاریخی به تفسیر و تحلیل داده‌های نمونه اقدام شد. تحلیل انجام شده با توجه به اصل عربی این داده‌ها صورت گرفت؛ هرچند، تلاش شد تا از این نمونه‌ها با بررسی لغت‌نامه‌ای و نیز ملاحظه و تطبیق ۳ ترجمه معتبر (از علامه جعفری، آیت الله مکارم، و دکتر آیتی) ترجمه معنایی نیز به دست داده‌شود. این ترجمه‌ها به صورت پاورقی ثبت شده‌اند.

مدل گفتمان‌کاوی موضوعی با تأسی به رویکرد تاریخی - گفتمانی بر مفهومی از بافت استوار شده که دارای چهار سطح است که به ترتیب در دل دیگری قرار گرفته و عبارت‌اند از: (۱) بافت زبانی بلافصل (هم‌بافت)، (۲) ارجاعات بینامتنی و بیناگفتمانی، (۳) بافت موقعیت، (۴)

بافت کلان تاریخی، سیاسی و اجتماعی است. (برای مطالعه رویکرد گفتمانی-تاریخی نک. ووداک، ۲۰۰۱، ۲۰۱۵، ریزیل و ووداک، ۲۰۰۹، ص ۸۵). به عبارت دیگر، نتایج مرحله تحلیل زبانی به کمک سطوح چهارگانه بافت تضعیف یا تقویت می‌شوند.

منظور از استراتژی گفتمانی، طرح کم و بیش صحیح و یا کم و بیش عمدی کردارهاست که برای دستیابی به اهداف اجتماعی، سیاسی، روان‌شناختی یا زبان‌شناختی به خدمت گرفته می‌شوند (ووداک، ۲۰۰۱، ص ۷۳). در این راستا، رویکرد گفتمانی - تاریخی پنج استراتژی (۱) ارجاعی/نام‌گذاری؛ (۲) اسناد؛ (۳) استدلال‌ورزی؛ (۴) دیدگاه‌سازی؛ و (۵) تشدید/تخفیف^۹ را شناسایی و معرفی کرده و مدل گفتمان‌کاوی موضوعی، ضمن اقتباس آنها استراتژی بیان معکوس^{۱۰} (مثلاً پیشنهاد امری به جای نهی) را نیز به این فهرست می‌افزاید. به عبارت ساده‌تر، فعالان اجتماعی صورت‌های زبانی را در چارچوب این استراتژی‌ها به کار برده و هدف‌گذاری می‌کنند.

تحلیل‌گر موضوعی بایستی ضمن تحلیل خردگفتمان‌ها در سطح اول بافت متناظر با هر استراتژی گفتمانی سؤالی در نظر بگیرد که قالب آن به این شرح است: ساختارهای زبانی استراتژیک با نقش اسنادی، ارجاعی، استدلالی، دیدگاه‌سازی، تخفیفی، و غیره - که نمونه‌هایی از آنها در خلال مباحث معرفی خواهند شد- با چه هدف گفتمانی و معنا-کاربردشناختی ادا شده و چه نقشی در فرایند تفسیر و تحلیل ایفا می‌کنند؟ پس از پاسخ به چنین سؤالاتی، وی می‌تواند نتیجه به دست آمده را با توجه به اطلاعات سایر سطوح بافتی تعدیل کند؛ البته، لازم به تذکر است که «سطوح چهارگانه بافتی همیشه در امر تفسیر کارگشا نبوده، و تحلیل‌گر نباید خود را مکلف کند تا همه آنها را در امر تفسیر دخیل کند» (مزینانی، علیزاده، آزاد، ۱۳۹۶).

۴. اصطلاح استراتژی در زبان ووداک با اصطلاح‌هایی نظیر کنش زبانی، کنش گفتار، و کنش حفظ وجهه در سایر نظریه‌ها متناظر است.

۵ Nomination/Referential Strategy

۶ Predication Strategy

۷ Argumentation Strategy

۸ Perspectivization Strategy

۹ Mitigation/Intensification Strategy.

۱۰ Reverse Statement Strategy

ضمن پاسخ به سؤالات تحقیق، نتایج تحلیل‌ها و بررسی انجام شده، بازپروری شده و همگام با مرحله (۷) مدل پیش‌گفته، نظریه‌پردازی صورت گرفت. در پایان، به عنوان گام هشتم، نتایج این بررسی در این مقاله جهت انتشار ثبت شدند.

۴. تحلیل داده‌ها: معرفت‌شناسی عدالت علوی

توجه گسترده و بنیادین امام علی P به عدالت را می‌توان در گفتارهای گوناگون ایشان جستجو کرد که بخش اساسی آن متوجه تعاملات انسانی و اجتماعی می‌گردد (درخشه، ۱۳۸۶). در گفتار آن حضرت کاربرد اسنادی مشتقات ریشه «عدل» به صورت وصفی، اسمی و فعلی در کنار کاربرد استراتژیک ارجاعات و مضامینی نظیر «حکم»، «داوری» و «قضاوت» به دفعات و به طرز معناداری به چشم می‌خورد؛ بررسی و درک این همابندی، که در چند خطبه و نامه به چشم می‌خورد، می‌تواند مقدمه‌ای برای شناخت چیستی عدالت و نقش آن در نظر امام باشد؛ داده‌های زیر نمونه‌هایی از این دست هستند:

۱. «... وَ قَامَ بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ، وَ عَدَلَ عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ، ...» (خ ۱۸۵).

۲. «الْحَمْدُ لِلَّهِ ... وَ عَدَلَ فِي كُلِّ مَا قَضَى، ...»^۲ (خ ۱۹۱).

۳. «... وَ اعْلَمُ أَنَّ الرِّعْيَةَ طَبَقَاتٌ، ... وَ مِنْهَا قُضَاءُ الْعَدْلِ، ...»^۳ (ن ۵۳).

در داده‌های ۱ تا ۳، اسم‌های «حکم» و «قضاة» و فعل «قضى» ارجاع‌های استراتژیک برای مضامین قضاوت و داوری، و گروه‌های فعلی «وَعَدَلَ...» در ۱ و ۲، و گروه اسمی «الْعَدْلُ» در ۳، اسنادهایی استراتژیک هستند که برای ارزیابی این ارجاع‌ها به کار رفته‌اند.

امام در این داده‌ها با استفاده از کنش گفتار بازتمایی^۱ در قالب جملات خبری، با قاطعیت و بدون شک و تردید، درباره شناخت خداوند، حاکمیت و عدل‌ورزی او طرح دعوی می‌نماید. به دیگر سخن، با کاربست استراتژی اسناد، رعایت عدل و دادگری به نحوی به یکی از مضامین قضاوت و داوری نسبت داده شده و ترکیب «حکومت و قضاوت به عدالت» یا «داوری به دادگری» را به دست داده‌است؛ رساتر این‌که، رعایت عدالت از ویژگی‌های تام

۱۱. «... در میان خلق خود قسط را به پا داشته و حکمش (داوری او) از روی عدالت است»

۱۲. «... سپاس خدای را، ... و در هر آن چه فرمان می‌دهد عدالت‌گستری می‌کند...»

۱۳. «... و بدان که جامعه (رعیت) طبقاتی است، ... یک طبقه از آن قضات دادگر اند...»

قضاوت و داوری برشمرده شده است؛ امام علی در داده‌های زیر معیار اصلی عدالت را تعیین می‌کند:

۱. «... وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ عَدْلٌ عَدْلٌ، وَ حَكَمٌ فَصَلٌ، ...»^۱ (خ ۲۱۴).
۲. «... فَهُوَ (اشاره به پیامبر) إِمَامٌ مِّنِ اتَّقَى، ... وَ كَلَامُهُ الْفَصْلُ، وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ، ...»^۲ (خ ۹۴).

در داده‌های ۴ و ۵، درباره ویژگی‌های خدا و رسولش^۳ بویژه عدالت آنها ادعای ایدئولوژیک دیگری صورت می‌گیرد؛ در این داده‌ها، امام علی P با ارجاع استراتژیک، در یک خطبه، خدا، و در خطبه‌ای دیگر، حکم رسول خدا را عین «عدل» نامیده است؛ طبق نظریه استدلال، آن حضرت، در این شواهد (۴ و ۵)، به طرز معناداری از برهان یا موضع عقلی تعبیرنام استفاده کرده است. طبق این موضع عقلی، «اگر یک کنش، یک چیز یا یک شخص (یا گروهی از اشخاص) X نامیده شود، آن کنش، چیز یا شخص، ویژگی‌ها / صفات / نشانه‌های موجود در معنای X را در بر خواهد داشت» (ووداک، ۲۰۰۱، ص ۷۴). بعلاوه، در ۴، امام با بیان فعل «أشهد: گواهی می‌دهم» استراتژی تشدید را به کار بسته و باورپذیری دیدگاه خود را در مخاطب افزایش می‌دهد؛ کاربرد متمم‌ساز «إِنَّ: به تحقیق» نیز تأثیری مشابه دارد.

عدل نامیدن خدا و رسول با برهان تعبیرنام به این معناست که هر گونه رفتاری که از آنها سر می‌زند و یا دستوری که تشریح می‌نمایند، درست، و البته، با معیار حق سنجیده شده است؛ البته، آن حضرت در جمله شاهد زیر به سؤال «عدل برتر است یا بخشش؟» این گونه پاسخ می‌دهد:

«... الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا، وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ، فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا»^۳ (ق ۴۳۷).

در این داده، با استفاده اسنادی از گروه فعلی «يَضَعُ الْأُمُورَ...» تعریفی واضح از چیستی عدالت داده شده است. نکته حائز اهمیت در این داده، کاربرد استراتژیک این گروه فعلی با

۱. «... و شهادت می‌دهم که او عدلی است عدالت‌گستر و حکمی است که حق و باطل را جدا می‌کند».

۲. «... او - اشاره به پیامبر اعظم - پیشوای پرهیزکاران است، ... و کلامش جداکننده حق و باطل، و داوری اش عین عدل است».

۳. «... عدل امور را در مواضع خود قرار می‌دهد، ولی جود (بخشش) آن را از مسیر خود خارج می‌سازد، عدل سیاستی است همگانی ولی جود پیش‌آمدی است خاص، پس عدل گرامی‌تر و برتر است».

صیغه مضارع (حال ساده) از فعل آن «يَضَعُ» است که «از تعمیم فرازمانی، عادت بودن و انجام روزمره یک رفتار خبر می‌دهد» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴، ص ۲۰۷). به دیگر سخن، امام P با این تعریف از عدل و مقایسه آن با «جود: بخشش» این دیدگاه فلسفی/عقیدتی را بازنمایی می‌کند که برقراری عدالت نیاز به قید و شرط ندارد و از لزوم ملکه شدن رفتارهای عادلانه سخن می‌گوید. اسناد گروه وصفی «سائس عام: سیاستی همگانی» به عدالت نیز این نتیجه را تقویت کرده و از منظر آن حضرت حاکی از برهان عقلی «بازدهی و بهره‌وری» است: هر عملی که فوایدش بیشتر باشد یا به افراد بیشتری سود برساند، انجام آن در مقایسه با سایر گزینه‌ها اولویت دارد.

البته، «قرار دادن هر چیزی در جای خود» تقریری فراگیر از عدالت است و قرن‌ها پیش از حضرت علی یکی از فیلسوفان یونان باستان هم مضمونی شبیه به آن را ارائه کرده‌است. احمدی (۱۳۹۲) نیز این تعریف امام از عدل در این فرموده را، تعریفی شامل و بهترین تعریف از عدالت دانسته که از طریق شمول معنایی بر تمام اقسام عدالت، اعم از الهی یا بشری، فردی یا اجتماعی قابل انطباق است؛ پس، با استنتاج منطقی از مجموع داده‌های ۱ تا ۶، تعریف عدالت از منظر نهج البلاغه به این شرح است:

عدل یعنی گزینش صحیح راه‌کار، موضع، ...، کیفیت و یا کمیت امور دنیوی و معنوی از میان گزینه‌های ممکن با سنجش خداپسندانه و حق‌مدارانه و جدیت در کار بستن آن به صورتی که ملکه رفتاری فرد شده‌باشد.

امام علی P در خطبه ۸۷ در مقام خلیفه درباره راه‌کارهای آموزش حق چنین می‌فرماید:

۱. «...أَلَمْ ... وَقَفُّتُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَالْبَسْتُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي، وَفَرَشْتُمْ لِمَعْرُوفٍ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَأَرَيْتُمْ كَرَائِمَ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي؟ فَلَا تَسْتَعْمَلُوا الرَّأْيَ فِيمَا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ الْبَصَرُ، وَلَا تَتَغَلَّلُ إِلَيْهَا لِفِكْرٍ» (خ ۸۷).

ارجاع‌های استراتژیک مشهود در فرموده ۷ حاکی از این است که «معروف» و «کرائم اخلاقی» مد نظر امام با «نفس»، «قول»، و «فعل» او به مردم آموزش داده شده‌است. از طرفی، سؤالی بودن و منفی بودن این فرموده نیز قابل توجه است:

۱. ترجمه: «...مگر من... شما را با حدود حلال و حرام آگاه نکردم، و از عدل خویش جامعه عافیت بر تن‌تان نپوشاندم، و معروف را در میان شما با گفتار و کردارم نگستراندم، و اخلاق کریمه را با منش خود به شما نمایاندم؟ پس، درباره آن چیزهایی رأی خود را ابراز ندارید که بصر، ژرفای آن را درک نمی‌کند و فکر را بدان راه نیست...»

آن حضرت با انتخاب استراتژیک قالب سؤال به جای بیان خبری (نک. ریزیل و ووداک، ۲۰۰۹، ص ۹۵، جدول ۱، ۴) علاوه بر این که بر جایگاه معرفت‌شناختی این گفتار تأکید کرده، تأثیر بیانی آن را نیز در مخاطب تشدید کرده‌است. «از چنین سؤالاتی که پر از هیجان است، طعن و کنایه نیز فهم می‌شود» (گالپرین، ۱۹۷۷، ص ۲۴۵). منفی‌سازی نیز به عنوان یکی از ابزار زبانی / سبکی که در اینجا با ادات نفی «لم» که مفهوم «تا کنون» را نیز در خود نهفته دارد صورت گرفته، تأثیر مشابهی القا می‌کند؛ زیرا، «اگر این موارد در وهله اول انکار نمی‌شد، ما احتمالاً به آن حتی فکر هم نمی‌کردیم» (جفریز، ۲۰۱۰، ص ۱۰۷).

بنابراین، این فرموده در کنار تعریفی که از چستی عدالت در بالا ارایه شد، این قاعده کلی را به عنوان مبنا یا سنگ بنای ملکه عدالت نمایان می‌کند: پندار و گفتار و کردار بر مبنای حق. اما، منظور امام P از «حق»، مصادیق، و معیارهای آن چیست؟ در داده‌های زیر به این سؤال پاسخ داده شده‌است:

۱. «بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ بِمَا خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ، وَ جَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ، لئَلَّا تَجِبَ الْحُجَّةُ لَهُمْ بِتَرْكِ الْأَعْدَارِ إِلَيْهِمْ، فَدَعَاهُمْ بِلِسَانِ الصِّدْقِ إِلَى سَبِيلِ الْحَقِّ» (خ ۱۴۴).
۲. «و فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ، وَ خَيْرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ» (ق ۳۱۳).
۳. «... وَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعًا وَ بَدْرَهُ نَاطِقًا، فَأَدَّى أَمِينًا، وَ مَضَى رَشِيدًا، وَ خَلَّفَ فِينَا رَايَةَ الْحَقِّ، مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَّقٌ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقٌ، وَ مَنْ لَزَمَهَا لِحَقٌّ» (خ ۱۰۰).
۴. «... فَالرُّدُّ إِلَى اللَّهِ الْأَعْدَابُ خُدُّ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ وَ الرَّدُّ إِلَى الرَّسُولِ الْأَعْدَابُ خُدُّ بِسُنَّتِهِ الْجَامِعَةِ غَيْرِ الْمُفْرَقَةِ...» (ن ۵۳).

۱. «خداوند رسولان خود را با وحی برگزید که مختص ایشان است، و آنها را بر خلق خود حجت قرار داد تا پس از آن، خلق در مقابل او به دلیل نداشتن راهنما حجت نداشته باشند. پس، بندگان خود را به زبان راستگوی پیامبران به راه حق فراخواند.»

۲. «و در قرآن (است) خبر آنچه قبل از شما (بوده)، و خبر آنچه بعد از شما (می‌آید)، و حکم امور بین شما.»
 ۳. «... شهادت می‌دهیم که جز او خدائی نیست، و همانا محمد بنده و رسول او است، خداوند سبحان او را به امر خود فرستاد تا باطل را در هم شکند و به ذکرش زبان گشاید، پس او در کمال امانت‌داری کار را به انجام رساند، و رشید درگذشت، و در میان ما پرچم حق را به یادگار گذاشت؛ هر که از آن پیشی گیرد از دین خارج گردد، هر که از آن واپس ماند، تباہ شود و هر کس همراهی اش کند به آن ملحق گردد.»

در داده‌های ۸ تا ۱۱، امام علی P با اسنادهایی استراتژیک و با استفاده از گروه‌های فعلی نظیر «جَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ» و «أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعاً وَبِذِكْرِهِ نَاطِقاً...» راجع به مقام رسولان و برگزیدگان خداوند بویژه خاتم رسولان سخن گفته و با ارجاعات تشبیهی نظیر «سبیل حق» و «رایه حق» طرح دعوی کرده و آنها را مرجع تام شناخت حق معرفی می‌کند؛ البته، آن حضرت با کاربرد افعال «بعث»، «خص»، و «أرسل» و نسبت آنها به «الله» دیدگاه خود را مشروع می‌سازد. در چارچوب نظریه استدلال، حضرت علی به منظور تبیین ادعاهای خود از سه برهان عقلی الف) «عذر مقبول» (نک. ۸، ب) «اتمام حجت» (نک. ۸) و ج) «افراط و تفریط ممنوع» (نک. ۱۰) نیز بهره می‌برد که در این داده‌ها مشهود است (برای تعریف مواضع عقلی نک. پایین جدول ۳).

آن چه در ۸ تا ۱۱ شاهد بودیم داده‌هایی بود مبنی بر مترادف معنایی واژه «حق» با احکام، فرائض، حدود، اوامر و نواهی الهی یا به اصطلاح «دستورات تشریحی»؛ وحی و سنت در ابلاغ حق را نیز می‌توان یکی از راه‌های معاونت خداوند دانست، بویژه در مواردی که طبق فرموده ۷، بصیرت و اندیشه آدمی بدان راه ندارد. با وجود این، بررسی فرموده‌های دیگری از آن حضرت و ملاحظه روابط بین آنها در چارچوب سطح دوم بافت نشان می‌دهد که معنا و مصادیق حق به صدور دستورات تشریحی ختم نمی‌گردد، و از سکوت شارع مقدس در چگونگی انجام برخی امور و منخیر نهادن خلق در آن سخن می‌گوید:

۱. «إِنَّ اللَّهَ أَفْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا، وَحَدَّ لَكُمْ حُدُوداً فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَنَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَ سَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَ لَمْ يَدْعَهَا نِسِيَاناً فَلَا تَنْكَلِفُوهَا»^۱ (ق ۱۰۵).
۲. «...إِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ: فَظُلْمٌ لَا يُغْفَرُ، وَ ظُلْمٌ لَا يُتْرَكُ، وَ ظُلْمٌ مَغْفُورٌ لَا يُطْلَبُ: فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَالشُّرْكُ بِاللَّهِ، ... وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يُغْفَرُ فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهَنَاتِ وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً»^۲ (خ ۱۷۶).

۱. «... پس رجوع به خداوند یعنی استناد به محکمت کتابش و رجوع به رسول یعنی استناد به سنتش که جامع است و تفرقه نمی‌آفریند...»

۲. «همانا خداوند اعمالی را بر شما فرض داشته، پس ضایع‌شان مکنید، و حدودی برای شما تعیین کرده‌است، از آنها تجاوز مکنید. شما را از چیزهایی نهی کرده، حرمت آن مشکنید، حال آن‌که راجع به چیزهایی نیز برای شما سکوت کرده، نه آن‌که آنها را از روی فراموشی کنار گذاشته‌باشد، پس، در آن امور خود را به رنج و تکلف نیاندازید.»

۳. «...همانا ظلم سه گونه است: ظلمی که (هرگز) آمرزیده نمی‌شود، ظلمی که واگذار نمی‌شود، و ظلمی که آمرزیده شده و بازخواست ندارد؛ اما، ظلمی که آمرزیده نخواهد شد شرک به خدا است، ... اما ظلمی که آمرزیده می‌شود ظلم بنده است

۳. «... فَإِنَّهُ لَمْ يُخَفِّ عَنْكُمْ شَيْئاً مِنْ دِينِهِ، وَ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئاً رَضِيَهُ أَوْ كَرِهَهُ إِلَّا وَ جَعَلَ لَهُ عِلْماً بَادِئاً، وَ آيَةً مُحْكَمَةً، تَزَجُرُّ عَنْهُ، أَوْ تَدْعُو إِلَيْهِ...» (خ ۱۸۳).

به طرز آشکاری، امام P طی داده‌های ۱۲ تا ۱۴ اقدام به طرح دعوی و دیدگاه‌سازی ایدئولوژیک درباره خداوند و اوامر و نواهی الهی کرده و آنها را در سه گروه متفاوت جای می‌دهد؛ در هر سه داده، با استفاده از «إن: به درستی» از یقین خود گفته و با کاربست استراتژی تشدید بر تأثیر گفتار خود در مخاطب می‌افزاید.

آن حضرت در فرموده ۱۴ نیز ضمن استفاده از ادات نفی «لم» تصریح کرده که هیچ موردی نیست که موجب «رضایت» یا «سخط: خشم» خدا بشود و او خلق را نسبت به آن آگاه نکرده باشد؛ به دیگر سخن، در قالب استراتژی بیان معکوس چنین ادعا می‌شود که دستورات دینی/تشریحی به طور کامل به مردم ابلاغ شده‌اند؛ علم‌ها و آیات «بَادِئاً: بارز» و «مُحْكَم» که خداوند برای هدایت مخلوق خویش قرار داده نیز همین نتیجه را القا می‌کند. مضافاً، آن حضرت در فرموده ۱۳، از ساخت فعلی مضارع اخباری که دال بر روزمرگی، عادت و فرازمانی بودن است «نک. هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴، ص ۲۰۷) استفاده می‌کند. او با وجه مجهول از ظلمی «مغفور» سخن می‌گوید که بندگان تحت شرایطی خاص یا «عند بعض الهنات: به علت نقیصه-هایی» نسبت به خود روا می‌دارند، یا به عبارتی، حق النفس را نادیده می‌گیرند.

از طرفی، مجهول بودن این جملات سبب می‌شود که الف) فاعلیت خداوند در پس‌زمینه قرار گرفته و «ظلم» مبتدا شود؛ ب) «ظلم» به عنوان مفعول منطقی جمله در کانون توجه مخاطب قرار گیرد؛ و ج) این سؤال در ذهن مخاطب برانگیخته شود که فاعل کیست یا چه کسی می‌آمزد؟ (کانینگ، ۲۰۱۴، ص ۵۰). از این رو، در نتیجه این مجهول‌سازی این دیدگاه القا می‌شود که فاعلیت خداوند در امر بخشش خطا به هر کسی که به او ظلمی شده است ناخودآگاه تعمیم داده‌شود. این درحالی است که هر ظلمی که به دیگران بشود نزد خدا کیفر دارد؛ به دیگر سخن، نزد خدا حق الناس قابل گذشت نیست.

به خودش که از برخی نقیصه‌ها سرچشمه می‌گیرد. و اما ظلمی که رها نمی‌شود ظلم بعضی از بندگان است به بعضی دیگر».

۱. «...پس، به تحقیق که او هرگز چیزی را از دین خویش بر شما مخفی نداشت و هرگز چیزی را ترک نکرده که او را خشنود یا آزرده می‌سازد، مگر در حالی که برای آن نشانی بارز و آیتی محکم قرار داده تا شما را از آن منع یا به آن دعوت کند...».

مجموع این داده‌ها در کنار اطلاعات سطوح سوم بافت یعنی ادای این داده‌های شاهد در دل بیاناتی با ژانر خطبه و در تبیین وحی و فضیلت قرآن این نتیجه را تقویت می‌کند که خواست خدای باری تعالی این است که انسان در امور فردی به اختیار زندگی کند؛ اما، این تفویض اختیار بدین معنا نیست که در چنین اموری درست و غلط وجود ندارد. در این زمینه امام P می‌فرماید:

۱. «مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَالَّةً» (ق ۱۸۳).

در ادامه، باز هم از حق و انصاف می‌شنویم:

۲. «...فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَأُصْفِ، وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ، لَا يَجْرِي لِإِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ، ...» (خ ۲۱۶).

در فرموده ۱۶، امام P در مقام خلیفه مسلمین در میانه کارزار صفین از حق گفته و آن را «وسیع‌ترین چیزها هنگام توصیف» معرفی کرده، حال آن‌که «تنگ‌ترین چیز در میدان تناصف (یا اعمال انصاف با یکدیگر)» است؛ به نحوی که «به سود کسی جریان نمی‌یابد مگر به زیانش نیز جاری شود، و به زیان کسی جاری نمی‌شود مگر به نفعش نیز جاری شود». کاربرد مصادر «تواصف» و «تناصف» در باب تفاعل - با مفهوم مشارکت دوجانبه در یک فعل - نیز در چارچوب استراتژی ارجاعی/نام‌گذاری حاکی از این است که عمل به حق‌الناس تعاملی است و مستلزم انصاف. «تفسیر انصاف این است که اعطا کنی به دیگران از حق، مانند حقی که از دیگران برای خود طلب می‌کنی» (حسینی زبیدی، ۱۳۹۲ق، ج ۲۴، ص ۴۱۳، به نقل از احمدی، ۱۳۹۲).

به هر حال، با استناد به ۱۶ می‌توان این نتیجه را نیز به موارد فوق افزود که قیمت یک ملک باید با قراردادی منصفانه به نحوی تعیین شود که چنانچه فروشنده در مقام خریدار قرار گیرد باز هم به آن راضی باشد و برعکس؛ در این زمینه، آن حضرت خود نیز در نامه تاریخی خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

۱. «...وَلِيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا: بِمَوَازِينِ عَدْلٍ، وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ...» (ن ۵۳). ترجمه: «...مبایعه باید مجاز و با موازین عدل باشد، و در تعیین قیمت نباید در

حق هیچ کدام از فروشنده و خریدار اجحاف شود...»

در مکتب علوی رعایت انصاف به قدری مهم است که آن حضرت با استفاده از موضع عقلی «تعبیرنام»، عدالت را هم‌نام آن قرار داده‌است: «عدل، انصاف است، و احسان، تفضل» (ق ۲۳۱)؛ در نتیجه، با این کلام آن حضرت منصف را نیز در کنار عادل قرار می‌دهد. از این‌رو، هیچ قراردادی عادلانه نیست اگر منصفانه بسته نشده باشد.

از جمع‌بندی داده‌های فوق به این نتیجه می‌رسیم که در مکتب علوی، مصادیق حق به عنوان مبنای عدالت‌ورزی در سه حیطة کلی الف) دستورات تشریعی، ب) حقوق فردی/ غیر تشریعی، و ج) حقوق معاوضه‌ای (اجاره، کارگری، خرید و فروش، ...) جای می‌گیرند؛ در مجموع، شناخت این حیطة‌ها پیش‌نیاز یا مبنای دست‌یابی به قاعده کلی پیش‌گفته یعنی پندار، گفتار، و کردار بر مبنای حق به شمار می‌آید. اکنون، به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا این مبانی در گذر زمان و مکان ثابت هستند یا متغیر؟

۱. «...وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يَرْضَىٰ عَنْكُمْ بَشِيءَ سَخَطِهِ عَلَىٰ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، وَ لَنْ يَسْخَطَ عَلَيْكُمْ بَشِيءَ رَضِيئِهِ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ...» (خ ۱۸۳).
۲. «... وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَحِلُّ الْعَامَ مَا اسْتَحَلَّ عَاماً أَوَّلًا، وَيَحْرَمُ الْعَامَ مَا حَرَّمَ عَاماً أَوَّلًا» (خ ۱۷۶).

در شواهد ۱۸ و ۱۹، کاربرد فعل امر «وَأَعْلَمُوا: آگاه باشید» حاکی از کاربست استراتژی تشدید در جلب توجه مخاطب و پذیرش ادعای مطرح است. در فرموده ۱۸، کاربرد ادات منفی‌ساز «لَنْ: هرگز (در آینده)»، همراه با افعالی که فاعل آنها خداست، امکان بروز هرگونه تغییر در مبانی رضایت و خشم خداوند را تا ابد نفی می‌کند. در فرموده ۱۹ نیز کاربرد ساخت فعلی مضارع «يَسْتَحِلُّ: حلال می‌دارد» و «يَحْرَمُ: حرام می‌دارد» نشان از قطعیت و همارگی فعل است.

در همین راستا، توجه به ارجاعات استراتژیک «الْعَامُ: امسال» و «عَاماً أَوَّلًا: سال اول» خالی از نتیجه نیست؛ نکره بودن دومین ارجاع بر این دلالت دارد که مصداق آن سال اول خلقت آدم P است که برای بشر نامعلوم است. در غیر این صورت، یعنی اگر سال اول بعثت پیامبر

۱. «...و بدانید که همانا خداوند هرگز به چیزی از شما خشنود نخواهد گشت که بر پیشینیان شما ناپسند می‌داشته، و هرگز چیزی از شما را ناپسند نمی‌دارد که به آن از جانب پیشینیان راضی بوده‌است...»
 ۲. «... پس بدانید ای بندگان خدا! که مؤمن (هماره) حلال می‌دارد آنچه را که از (همان) سال اول حلال شده و (هماره) حرام می‌دارد آنچه را که از همان سال اول حرام بوده‌است...».

اسلام مد نظر امام علی بود احتمالاً این ارجاع به صورت معرفه «العام الاول: همان سال اول» یا نظیر آن به کار می‌رفت. به این ترتیب، مصداق عبارت ارجاعی «مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ» کسانی که پیش از شما بودند» نیز مشخص می‌شود.

در مجموع این داده‌ها که بر تفکیک حیطه‌های مصداقی حق صحه می‌گذارد حاکی از ثبات رأی خداوندی در حیطه‌های «الف» و «ب» در طول تاریخ آفرینش انسان است. هرچند، تعیین حق در حیطه معنایی «ج» که با قراردادهای منصفانه/عادلانه صورت می‌گیرد، فی‌نفسه، تابع شرایط بافتی یا زمانی/مکانی است.

هرچند، کسب معرفت نسبت به حق، عدل و عدالت‌گستری تا آنجا سنگین و دشوار است که حتی بزرگی چون امام P نیز در مقام خلیفه وقت از کج‌فهمی برخی از مردمان تحت فرمان خود به ستوه آمده‌است:

۱. «أَيُّهَا النَّفُوسُ الْمُخْتَلِفَةُ، وَالْقُلُوبُ الْمُتَشَتِّتَةُ، الشَّاهِدَةُ أَبْدَانَهُمْ، وَالْغَائِبَةُ عَنْهُمْ عُقُولُهُمْ، أَظَارَكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَ أَنْتُمْ تَنْفَرُونَ عَنْهُ نُفُورَ الْمِعْزَى مِنْ وَعْوَعَةِ الْأَلَمِّ سَدًا! هَيْهَاتَ أَنْ أَطَّلَعَ بِكُمْ سِرَّارَ الْعَدْلِ، أَوْ أَقِيمَ أَعْوِجَاجِ الْحَقِّ» (خ ۱۳۱).

او ضمن برشمردن ویژگی‌های حاکم و پیشوای برحق می‌فرماید: «ای مردم گوناگون، و دارای قلب‌های متشتت، که تن‌هاشان شاهد است و عقل آنها غایب، شما را به سوی حق می‌کشانم حال آنکه از آن می‌گریزید چونان بزغاله‌ای که از غرش شیر می‌رمد! بعید است که بتوانم با یاری شما از پوشیدگی‌های عدل پرده بردارم، یا کژتابی حق را راست گردانم».

در داده ۲۰، شاهد خطاب قراردادن مخاطب با ضمیر سوم شخص غایب «هُم» هستیم. این امر که از کاربری استراتژی تخفیف/پوشیده‌گویی خبر می‌دهد حاکی از این است که امام با این کار به حفظ وجهه مخاطب خود نیز می‌اندیشد. علاوه بر این، آن حضرت با بیان اصطلاح «هیئات» که نشان از کنش‌گفتار احساسی است، و با تشبیه حق به غرش شیر، وادی آن را از نظر مخاطب هولناک توصیف کرده‌است؛ سپس، با تشبیه ناکامی آنها در شناخت حق به فرار بزغاله از احساسات خود سخن می‌گوید. او برای حفظ وجهه مخاطب در لفافه و با اسنادهایی ظریف می‌گوید از پیاده‌کردن عدالت با کمک این افراد ناامید است.

مضافاً، آن حضرت، گرچه، وادی عدالت و حق را، با اسنادهای استراتژیک «سرار» و «اعوجاج»، پر از رمز و راز و انحراف و کجی می‌بیند؛ اما، بررسی ارجاعات بینامتنی نشان می‌دهد که او شناخت آن را با نیروهایی که خداوند در بدو آفرینش انسان در وجود او قرار داده ناممکن نمی‌داند:

۱. «... ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَمَثَلَتْ إِنْسَانًا ذَا أَدْهَانَ يُجِيلُهَا، وَفَكَرَ يَتَصَرَّفُ بِهَا، وَجَوَارِحَ يَخْتَدِمُهَا وَأَدْوَاتٍ يُقَلِّبُهَا، وَمَعْرِفَةً يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ...»^۱ (خ ۱).

در بالا ضمن تعریف چیستی عدالت، به این نکته اشاره شد که لازمه آن، سنجش حق‌مداران یا معرفت تمایز میان حق و باطل است که طبق دیدگاه علوی در بدو خلقت، انسان به آن مجهز شده است. با این اوصاف، به زعم نگارندگان، ادراک عدالت را به طور کلی از دو زاویه می‌توان واکاوی کرد: الف) قوای شناختی کسی که می‌خواهد حق را شناخته و عادل باشد، و ب) قوای شناختی کسی که آثار گزینش‌ها و اقدامات عادلانه را مشاهده می‌کند. هم‌راستا با این تقسیم‌بندی، ابتدا از زاویه «الف» به ادراک عدالت در این مکتب می‌پردازیم. در داده ۲۲، امام علی با استراتژی اسناد تعریفی که در موضعی دیگر از عدل ازایه کرده به عاقل منسوب می‌نماید:

۱. «و قیل له P: صِفِ لَنَا الْعَاقِلَ. فَقَالَ: هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ» (ق ۲۳۵). ترجمه: «به آن حضرت گفته شد، عاقل را وصف کن. فرمود: او کسی است که هر چیز را در جای خود قرار دهد».

با استناد به ۲۲ می‌توان نتیجه گرفت که ملکه رفتاری عدل با نیروی انسانی عقل دست-یافتنی است؛ در ادامه، باید دید که آیا آثار عدالت‌گستری حاکم و قاضی و عادل و عاقل نیز با تعقل عوام الناس ذی‌نفع ادراک شده یا نیروهای بشری دیگری هم در این امر دخیل هستند؟ بررسی روابط بینامتنی حاکم بر سطح دوم بافت پاسخ مثبتی را تأیید می‌کند. آن حضرت در چند موضع به تحریک احساسات و عواطف بشری هنگام مواجهه با آثار و عوارض عدل و بی‌عدالتی اشاره کرده است:

۴. «... آنگاه از روح خود در آن بدمید تا آن پیکر (گلین) مثال انسانی نمایان شد با ذهنی که به جولانش در می‌آورد، و فکری که به آن در کارها تصرف می‌کند، و جوارح و ادواتی که به خدمت‌شان می‌گیرد، و معرفتی که میان حق و باطل فرق می‌نهد...»

۱. «وَاللّٰهُ لَوُ وَّجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النَّسَاءِ، وَ مَلِكًا بِهِ الْأَمَمَاءِ، لَرَدَدْتُهُ؛ فَإِنَّ فِی الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَیْهِ الْعَدْلُ، فَالْجَوْرُ عَلَیْهِ أَضِیقُ» (خ ۱۵).

وی پس از رسیدن به خلافت درباره اصلاح بی‌عدالتی‌های خلیفه پیش از خود با سوگند «والله» که نشان از کنش گفتار تعهدی است چنین وعده می‌دهد: «به خدا سوگند حتی اگر دریابم که آن (منظور اموال بیت المال است) کابین زنان شده باشد یا با آن کسی مالک کنیزکان شده باشد، آن را برمی‌گردانم؛ پس، همانا در عدالت گشایش است، و هر کس که از عدل به تنگ آید، حتماً تحمل جور و ستم بر او سخت‌تر است». در عهدنامه‌ای خطاب به محمد بن ابی بکر پس از انتصاب وی به حکومت مصر نیز چنین آمده است:

۲. «... وَ أَسِ بَیْنَهُمْ فِی اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرِ، حَتَّى لَا یَطْمَعَ الْأَعْظَمَاءُ فِی حَیْفِكَ لَهُمْ وَ لَا یَبْئَسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَیْهِمْ...» (ن ۲۷).^۵

در تمامی داده‌های فوق از ۲۱ تا ۲۴ به نوعی طرح دعاوی و دیدگاه‌سازی ایدئولوژیک راجع به آفرینش انسان، عدالت اصلاحی، و عدالت در قضاوت مشهود است. چنان‌که پیداست، در این داده‌ها کاربرد استراتژیک اسنادهایی با مضامین «سعه: گشایش»، «ضیق: به تنگ آمدن»، «طمع»، و «یأس» همگی بر احساسات و عواطف بشری در ادراک آثار عدالت و بی‌عدالتی دلالت دارند. استفاده امام از برهان عقلی «سوء استفاده» (نک. جدول ۳ در پایین) نیز در این داده مشهود است. با این اوصاف، از منظر علی P نیروی عواطف و احساسات به رسمیت شناخته می‌شوند؛ این نیروها چنان قوی اند که حتی می‌توانند بر عملکرد عقل نیز اثر گذاشته و صاحب‌مسند را از گزینش‌های عادلانه بازدارند:

۱. «فَإِنَّ الْوَالِیَ إِذَا اخْتَلَفَ هَوَاهُ مَنَعَهُ ذَلِكَ كَثِیرًا مِنَ الْعَدْلِ...» (ن ۵۹).

۵. جمع‌بندی نتایج

نتایج این تحقیق در دو بخش الف) یافته‌های تحلیل نظری یعنی پاسخ صرف به ۴ سؤال اصلی تحقیق و ب) یافته‌های تحلیل زبانی یعنی مواردی که در چارچوب استراتژی‌های گفتمانی و نظریه استدلال قابل ملاحظه است، قابل جمع‌بندی است. در راستای پاسخ به

۵. «... و بین آنها [مردم] در وقت و نگاه تساوی برقرار کن، تا بزرگان در حمایت بی‌دلیل تو از خود طمع نورزند و ضعفاء از عدل تو مایوس نشوند...».

۶. «پس همانا والی اگر هوا و هوس‌هایش گوناگون باشد، این امر چه بسا او را از اجرای عدالت بازدارد...».

سؤالات پژوهش، مباحث و تحلیل‌های فوق ما را به اصل زیر رساند که از آن تحت عنوان «اصل جامع معرفت عدالت» یاد می‌کنیم؛ این اصل علاوه بر این که بیان‌گر نقش ماهوی عدالت از دیدگاه علوی است، به طور هم‌زمان به سایر سؤالات تحقیق نیز پاسخ می‌دهد:



نمودار ۲- بازنمون اصل جامع معرفت عدالت از دیدگاه علوی

اصل جامع معرفت عدالت: عدالت ملکه‌ای است نفسانی/ رفتاری که پندار، گفتار و کردار انسان‌های عادل را بر مبنای حق شکل می‌دهد؛ حال آن‌که، معنای حق از درستی و صحت انجام تا تکلیف شرعی را پوشش داده و با شاخص‌های کاملاً متفاوت سه حیطة مصداقی به شرح زیر دارد: الف) دستورات تشریحی اسلام، که در قرآن، سنت نبوی، و روایات معصومین وضع شده- اند؛ امام P در این حیطة شهودگرا، شرع‌گرا و جهانی‌گرا است؛ ب) امور فردی غیرتشریحی که با تعقل فرد قابل شناخت بوده، ولی، فرد در انجام آنها مخیر است؛ بافت‌گرایی و عقل‌گرایی ویژگی‌های شناخت مصداق حق در این حیطة است؛ و ج) حقوق معاوضه‌ای که در ازای خدمتی معین، استفاده از مال غیر، یا انتقال مالکیت اموال پدید آمده، و با قراردادهای عاقلانه/ منصفانه میزان آن مشخص می‌شود. امام در این حیطة بافت‌گرا، قراردادگرا، احساس‌گرا و عقل‌گراست.

تحلیل‌های زبانی مبتنی بر استراتژی‌های گفتمانی در این بررسی نیز حاکی از این است که امام علی P برای انتقال باورهای ایدئولوژیک اسلامی به مخاطب مکرراً دیدگاه‌سازی می‌کرده و

این نکته خود مبین نقش مهمی است که آن حضرت در امر آموزش و تربیت سیاسی/دینی مردمان در آن دوره تاریخی ایفا می‌نموده‌است. کاربرد سایر استراتژی‌ها از سوی آن حضرت نیز به اقتضا حول همین محور بنیادین بوده‌است. در جدول ۱، مهم‌ترین فعالان اجتماعی و تعداد اسنادهایی که حاکی از انجام فرایند، فعل یا صفت خاصی بوده و در داده‌های شاهد به آنها نسبت داده‌شده مشاهده می‌شود.

جدول ۱- مهم‌ترین فعالان اجتماعی در داده‌های شاهد و فراوانی اسنادهای منسوب به آنها

ارجاع استراتژیک	عامل اسناد	پذیرنده در اسناد	اسناد رابطه-ای	ارجاع استراتژیک	عامل اسناد	پذیرنده در اسناد	اسناد رابطه-ای
الله	۲۶	۲	۰	مخاطب خاص	۲	۰	۰
مخاطب عام	۵	۴	۰	علی P	۶	۰	۰

به عنوان نمونه، این جدول نشان می‌دهد که علی P در همین داده‌های معدود - به نسبت کل نهج البلاغه - حدود ۳۰ بار به «الله»، غالباً با گروه فعلی اسناد داده و اعمال و ویژگی‌های خداوند را توصیف کرده‌است. ۲۶ مورد از این تعداد اسنادهایی است که «الله» فاعل فعل آن است. ستون میانی نیز از تعداد اسنادهایی خبر می‌دهد که «الله» مفعول یا متمم فعل آن است. ستون اسنادهای رابطه‌ای نیز تعداد دفعاتی را نشان می‌دهد که صفت، ویژگی یا کیفیتی به خداوند نسبت داده‌شده‌است.

طبق این جدول، در مقایسه با سایر فعالان اجتماعی بیشترین فعالیت، البته غالباً از نوع ایدئولوژیک، به خداوند نسبت داده‌شده که بعضاً عبارت اند از: بعثت رسولان، حکومت به عدل، قیام به قسط، فصل یا جداسازی حق و باطل، اتمام حجت، تخصیص وحی به رسولان، تفضیل حرمت‌ها، خلق انسان، واجب کردن، حرام کردن، غفران، سکوت در باب برخی امور، و نهی از برخی امور. نکات دیگری نیز در این جدول مشهود است؛ رتبه دوم با حدود ۱۵ اسناد به مخاطبان عام آن حضرت در آن دوره تاریخی تعلق دارد. نکته قابل توجه، مجموع اسنادهای مفعولی/متممی و رابطه‌ای منسوب به این گروه است که در نظر آن حضرت نشان از وابستگی آن مردمان به زمامداران، خمودگی، و بی‌عقلی آنها است.

از همه این‌ها مهم‌تر در این جدول، وجود ۱۰ اسناد فاعلی (که حضرت درباره اقدامات خود گفته) و غیاب اسنادهای رابطه‌ای منسوب به امام P است. جدول ۲ اسنادهای فاعلی آن حضرت به خود را نشان می‌دهد:

جدول ۲- اسناد هایی که حضرت علی به خود نسبت داده

موضوع	اسناد فاعلی
حلال و حرام	وَقَفْتُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ،
حق	أَطَارُكُمْ عَلَى الْحَقِّ
کرائم اخلاق	أُرَيْتُمْ كَرَائِمَ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي
معروف	فَرَشْتَكُمْ لِمَعْرُوفٍ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي
عدل	أَطَّلِعَ بِكُمْ سِرَّارَ الْعَدْلِ،
حق	أَقِيمَ اعْوِجَاجَ الْحَقِّ
عدل	وَأَلْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي
توحید و حق	نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... (داده ۱۰)
عدالت اصلاحی	وَجَدْتَهُ (بِإِيْمٍ) (داده ۲۳)
عدالت اصلاحی	رَدَدْتُهُ (بِرَمِيٍّ) (داده ۲۳)

بررسی محتوای اسنادهای پرشمار منسوب به خداوند و نیز ملاحظه موضوع خوداسنادی-های امام P در جدول ۲، حاکی از دغدغه خاطر او در امر احقاق حق و عدالت‌گستری است و با توجه به نسبت ناچیز این شواهد به کل گفتمان‌های متسبب به آن حضرت، نشان از نقش عظیم آموزشی/تربیتی وی است.

علاوه بر آنچه گفتیم، در اکثر خردگفتمان‌هایی که دارای بار ایدئولوژیک هستند به نوعی تشدید و تخفیف استراتژیک مشاهده می‌شود؛ تشدیدها غالباً همراه با «إِنَّ» و «إِنَّمَا»، کنش‌گفتار تعهدی نظیر سوگند، کنش‌گفتار هدایت‌گری (امری)، و یا سؤال خطابی به جای ساخت خبری صورت می‌گرفته است. بررسی تخفیف‌ها نیز نشان می‌دهد که حتی آن حضرت هنگام عصبانیت نیز زبان به توهین نگشوده و وجهه مخاطب را حفظ می‌کرده است. به هر حال، در این بررسی، حتی یک عنصر زبانی نیز مشاهده نشد که دال شک و تردید امام علی P باشد

نسبت به آنچه می‌گفته و باور داشته‌است. در عوض، آن حضرت اغلب ادعاهای خود را با یک یا چند موضع عقلی مستدل می‌کرده‌است:

جدول ۳- مواضع عقلی شناسایی شده در کلام امام علی

موضع عقلی	تعریف
بازدهی و بهره‌وری	اولویت با کاری است که به افراد بیشتری سود می‌رساند.
عذر مقبول	خطایی که به علت جهل مطلق انجام می‌شود قابل اغماض و بخشش است.
اتمام حجت	اگر شیوه صحیح کاری به فرد آموزش داده‌شود، راه عذر و خطا بر او بسته می‌شود.
افراط و تفریط ممنوع	هم کم‌کاری و هم زیاده‌روی در راه حق مردود است.
اولویت و ضرورت	هرچه ضروری‌تر، اولی‌تر.
سوء استفاده	باید از انجام اقداماتی که باعث سوء استفاده برخی می‌شود خودداری یا جلوگیری کرد.
تعبیر نام	اگر چیزی/فردی X نامیده شود، در واقع، ویژگی‌های X به آن چیز/فرد نسبت داده می‌شود.

این مواضع عقلی در مجموع ۷ مورد هستند؛ ۵ موضع از این فهرست بدیع بوده، حال آن‌که، ۲ موضع پایانی مشهود در این جدول، در فهرست ووداک (۲۰۰۱، ص ۷۴) از مواضع عقلی مشهود در گفتمان تبعیض‌آمیز نیز به چشم می‌خورند.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، سید جواد (۱۳۹۲). «اصطلاح‌شناسی عدالت و پیوند آن با مفاهیم همسو در آموزه‌های نهج البلاغه». معرفت/اخلاقی. سال چهارم، ش ۱، صص ۳۷ - ۵۳
- ۲- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۵). نهج البلاغه/امیرالمؤمنین علی (ع). قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۳- حسین زاده، محمد (۱۳۸۵)، *معرفت‌شناسی*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۴- درخشه، جلال. (۱۳۸۶). «عدالت از دیدگاه امام علی (ع)»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، ش ۵. صص ۵-۳۷.
- ۵- علی‌خانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰)، «نظام عدالت علوی: مبانی، اصول، مراحل، سطوح، در عدالت» *کتاب دومین نشست اندیشه‌های راهبردی*. صص ۱۳۵-۱۵۶.
- ۶- مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). *گفتمان‌کاوی موضوعی مدلی بر مبنای تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم*. رساله دکتری منتشر نشده، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۷- مزینانی، ابوالفضل. علیزاده، علی. و آزاد آملی، علیرضا. (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان موضوعی: تلفیقی از رویکرد تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم». *دوماه‌نامه جستارهای زبانی*. انتشار آنلاین به آدرس: http://lrr.modares.ac.ir/article_16964.html
- ۸- واعظی، احمد. (۱۳۸۸ الف). «ابعاد معرفت‌شناختی فلسفه سیاسی اسلام». *مجله علوم سیاسی*، س ۱۲. ش ۴۸. صص ۷-۳۲.
- ۹- واعظی، احمد. (۱۳۸۸ ب). *نقد و بررسی نظریه‌های عدالت*. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
- ۱۰- Canning, P. (2014). "Functional Stylistics". In Michal Bruke (ed.). *The Routledge Handbook of Stylistics*. pp. 45-67. □□□ □□□□: □□□□□□□□□□
- ۱۱- DeLapp, K. M. (2017). "Metaethics". *The Internet Encyclopedia of Philosophy*, available online on: <http://www.iep.utm.edu/metaethi/>
- ۱۲- Galperin, (1977). *Stylistics*. 2nd ed. Moscow: Higher Education
- ۱۳- Halliday, M. A. K. and Matthiessen C. M.I.M. (2004), *An Introduction to Functional Grammar*, 3rd Edition, London: Hodder Arnold
- ۱۴- Jeffries L. (2010). *Critical Stylistics: the Power of English*, Basingstoke: Palgrave McMillan.
- ۱۵- Reisigl, M., & Wodak, R. (2009). The discourse-historical approach. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of critical discourse analysis* (2nd ed., pp. 87-121). London, UK: Sage.
- ۱۶- Wodak, R. (2001). The Discourse-historical Approach. In R. Wodak. & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (pp. 63-9۴). □□□□□□: Sage.

Topic-based Discourse Analysis of Nahj-al-balāqa on Epistemology of Justice

Abolfazl, Mazinani¹

Ferdowsi University of Mashhad(Corresponding Author)

Alizadeh, Ali

Associate Professor, Department of Linguistics, Ferdowsi University Of Mashhad

Alireza, Azad

Ferdowsi University Of Mashhad

Received:20/10/2019

Accepted: 03/02/2021

Epistemology of different phenomena, i. e. the human's endeavor to achieve an ideological/philosophical insight about their nature, can be his conduct in making decisions how to realize them. Since this is also true for bringing justice about the world, this research was carried out to investigate the epistemological basics of Alavi/Shiite justice in Nahj-al-balāqa, a reference book compiled from the lectures and letters of Ali, the first Imam of Shi'as. Applying Topic-based Discourse Analysis Model as our methodology, we arrived at two different categories of conclusions. As a result of theoretical analysis, 'the consistent selection of our mental, verbal, and practical behaviors based on right' was concluded to be a definition of the nature of justice, while meanings of 'right' are to be from 'correctness of doing' to 'religious assignments'. So, the extensions of the term 'right' were divided into these three categories: a) religious instructions/rights, b) private personal rights, and c) exchange and service rights. Meanwhile, 'topoi, or addresses to rational schemes, were also identified as a result of linguistic analysis.

Keywords: Discourse Analysis, Nahj-al-balāqa, Epistemology, Justice

¹Mazinani3489@gmail.com